

وقف نامه و موقوفات میرزا ابراهیم بن حسین دنبلی خوئی

سید جعفر حسینی اشکوری

اشاره

امیران و حاکمان «دنبلی»^۱ یکی از خاندان های معروف کُردتبار هستند که قبل از ظهور دولت صفویه در اطراف موصل حکومت مستقل داشته اند و برخی از آنان - نظیر امیر یحیی - سِمَت مشیخت و ارشاد داشته و چندین تکیه و خانقاه در اطراف شام و آذربایجان بنا کرده است.

پس از مهاجرت از شام و موصل، به آذربایجان آمده و شهر خوی را کرسی نشین امارت خود قرار داده اند و در بین آنان حاکمان شایسته و لایقی ظهور کرده اند که هر یک به نوعی در آبادانی محل حکمرانی خود کوشیده اند.

از میان این خاندان عالمان برجسته ای برخوردارند که از جمله آنها می توان به میرزا ابراهیم بن حسین بن علی بن عبدالغفار دنبلی خوئی^۲ اشاره کرد.

وی در حدود سال ۱۲۴۰^۳ در خوی دیده به جهان گشود و در دامان پدر تربیت یافت و مقدمات علوم را در همان شهر فرا گرفت و در فقه استدلالی از محضر ملا حسین امام جمعه طسوجی خوئی استفاده کرد.

حدود سال ۱۲۶۲ راهی نجف اشرف شده و از محضر اساتیدی چون شیخ مرتضی انصاری، حاج ملا علی خلیلی رازی تهرانی، سید حسین

کوه کمری، شیخ محمد حسین کاظمی و شیخ مهدی کاشف الغطاء بهره برد و به دستور اساتیدش به موطن خود خوی بازگشته و به رتق و فتق امور شرعی مردم آن دیار پرداخته است.

وی خصوصیات اخلاقی برجسته ای داشته که از جمله آنها می توان به قَلت کلام مگر به مقدار ضرورت و سکوت فراوان و مواظبت در نوافل و نماز شب و یاری فقیران به طور پنهانی و علاقه فراوان او به زیارت عتبات عالیات و مشهد مقدس رضوی و حج بیت الله الحرام اشاره کرد.

سرانجام در ششم شعبان ۱۳۲۶^۴ هنگام جریانات مشروطه، جمعی از اشرار به خانه وی حمله برده و او را به شهادت رسانیدند و پس از حمل نعش وی به نجف اشرف، در خارج باب الکوفه و در کنار قبر استادش حاج ملا علی خلیلی رازی - در مکانی که خود در زمان حیاتش بنا نموده بود - به خاک سپرده شد.

مترجم یکی از متمولان زمان خود بوده و املاک فراوانی داشته است و چنانچه در برخی از مصادر آمده در آمد سالیانه املاکش به ۱۲۰۰۰ تومان آن زمان می رسیده است که بیشترین آنها را در امور خیریه و ساختن مساجد و مغاسل و پل در خوی و نجف اشرف و برپایی عزای سیدالشهداء علیه السلام به مصرف می رسانده است.

می شود که به لطف دوست گرامی و فاضل محقق شیخ علی صدرایی خوبی کپی آن در اختیار بنده قرار گرفت که در همین جا از لطف ایشان سپاسگزارم. برگ آغازین نسخه خوی افتادگی دارد و در پایان آن یادداشت جالبی بدین عبارت آمده است: «عجب اینکه به اینگونه صدقات جاریات بعد از سنین متداوله عمل نمی شد و داخل در جزو املاک می شد، لکن در خصوص صدقات این رساله همان چند سال اول وفات واقف به هیچ وجه عمل نشد با وجود اینکه واقف چقدر اصرار داشت حتی در ... کمال اصرار داشت چنانچه از وضع این رساله هر که امروز خواهد کرد می داند، فاعتبروا یا اولی الأبصار لعلکم تعقلون».

نسخه مرکز احیا، اصل قرار داده شد و اختلافات بین آن دورا در پی نوشت متذکر شدیم، و اضافات و یا کاستی های بین دو نسخه را درون دو قلاب [] گذاشتیم و بسیاری از اعلام جغرافیایی به یاری صدیق گرامی صدرایی خوبی تصحیح شد.

در ربیع الاول ۱۳۱۹ هـ. ق بسیاری از املاک و کتابخانه مهم خود را وقف و وقف نامه مفصلی جهت آنها تنظیم کرده است و پسر خواهر خود - میرزا یحیی بن اسدالله بن حسین طسوجی خوبی - را وصی در جمیع امور و موقوفات و ثلث مالش کرده و آن وقف نامه را به امضا و تأیید عالمان برجسته آن زمان خوی و نجف اشرف رسانده است.

چنین مشهور است که تعداد ۱۰۰ نسخه از روی وقف نامه اصلی استنساخ کرده و آنها را به دست اشخاص یا اماکن مختلف سپرده تا از دستبرد سودجویان و وقف خواران به دور باشد.

از این وقف نامه دو نسخه به دست آمده: نسخه ای که سابقاً در تملک مرحوم سید محمد جزائری بود و به تازگی به مرکز احیای میراث اسلامی در قم منتقل شده است. این نسخه به خط نستعلیق و در بردارنده ۲۸ صفحه و قطع ۲۱×۱۳ سانتی متر با جلد تیماج قهوه ای بدون مقوامی باشد. نسخه ای دیگر با همین مشخصات در کتابخانه مدرسه نمازی خوی به شماره ۸۳۴ نگهداری

متن این وقف نامه چنین است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله الذي أسعد و أتقى، و أمات و أحيى، و أوجد و أقتنى، و أفقر و أغنى، و أضرو و أقتنى، الذي خلق الانسان من نطفة تمنى، ثم تفرد عن الخلق بوصف الغنى، و خصص بعض عباده بالحسنى، فأفاض عليهم من نعمه يا أيسر به من شاء و استغنى، و أحوج اليه من أخفق في رزقه و اكدي اظهاراً للامتحان و الابتلاء، و وقف على سرائر النيات و حت عباده بالمسارعة الى أسباب المغفرة و الخيرات، و أوضح لهم سبل الصدقات الجاريات.

و أفضل الصلاة والسلام على سيد الوري و شمس الهدى محمد المصطفى مبین طرق التقى، و على آله المطهرين البررة الازكياء، مادامت الارض و السماء.

و بعد: برضماير صافية اولی الالباب و قلوب زاکیة ارباب بصیرت مخفی و مستور نیست که هر آفریده را اندیشه بقای جاودانی محض خیال، و بنی نوع انسان را در این سرای فانی ثبات و قرار فرض محال است، و ضعیف و شریف و عالم و عامی چون پست بلند موج آب در جویبار زندگانی از پی هم روان، و پیر و جوان

مانند شب و روز به دنبال هم به شهرستان عدم دوان، و مملکات این عبرت سرا بی اصل تر از موج سراب و بی بقا تر از نقش بر آب است، و مالی که برای آدمی ابدالآباد دستگیر ساعت پر وحشت ﴿إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ﴾ باشد همان است که فی سبیل اللّٰه در وجوه برّ و احسان مصروف، و در صدقه جاریه مبذول شود چنانکه ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی در کافی و شیخ صدوق در امالی به سند خود از امام بحق ناطق جناب ابی عبداللّٰه جعفر بن محمد الصادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند: لیس ینفع^۷ الرجل بعد موته من الاجر الا ثلاث خصال: صدقة اجراها فی حیاته فیه تجری بعد موته، و سنة هدی سنّها فیه یعمل بها بعد موته، أو ولد صالح یدعوله^۸.

بناءً علی هذه المعانی به توفیق ربانی و تأیید حضرت سبحانی جناب مستطاب شریعتمدار نخبه العلماء الراشدین و عمدة الفضلاء المحققین المؤید الموفق الحاج میرزا ابراهیم آقا مجتهد خوبی - آدام اللّٰه توفیقه و علاء و متعنا بسلامته و طول بقاه - قسمت کافی و قدر معتدّ به و وافی از املاک و ضیاع و عقار خود را وقف مؤید و حبس مخلّد نمودند که منافع و محصول آن^۹ سال به سال در وجوه برّ و خیرات به شرحی که در همین اوراق تشخیص و تعیین می شود صرف شده مثوبه آن، عاید خود واقف - سلّمه اللّٰه - و والدین و سایر اقارب و ارحام ایشان گردد. و این^{۱۰} خدمه شرع اقدس انور بهر فرد فرد املاک آتیه الذکر منفرداً و به همه آنها مجتمعاً احتیاطاً صیغه وقف شرعی اسلامی مؤید به شروط و قیودی که بعد از این در فصل آتیه تحریر خواهد شد اجرا نمود، و قبض تویلی و حکومتی به عمل آمد.

و این رساله شریفه را برای ضبط شرایط و تفصیل این مطلب و حفظ آن در تغییر و تبدیل^{۱۱} وضع و تحریر نمودم، و چون بعضی موقوفات و محبوسات دیگر از خود واقف معزّی الیه نبود لکن نحو تعلقی به جناب واقف داشت آنها را نیز در اینجا محض اینکه از تغییر و تبدیل مصون و محروس شود ثبت نمودم.

و این رساله مشتمل بر سه باب:

باب اول: در بیان موقوفات خود واقف - سلّمه اللّٰه - است.

باب دوم: در ذکر موقوفه مرحوم مبرور حاجی حسین آقا والد جناب واقف است.

باب سوم: در ذکر سایر موقوفات که نحو تعلقی به جناب واقف دارد.

باب اول

در ذکر موقوفات جناب مستطاب واقف است.

و آن مشتمل بر چند فصل:

فصل اول: در ذکر املاک و مستقلات و بیوت و ضیاع و عقاری است که وقف نموده اند غیر از چند فقره وقف خاص که آنها در فصل پنجم ذکر خواهد شد.

فصل ثانی: در بیان اجناس و کتبی است که جناب واقف وقف نموده.

فصل ثالث: در بیان محل و مصرف منافع موقوفات است.

فصل رابع: در بیان متولی و مباشر و ناظر موقوفات و شرایط آن است.



تصویر شماره ۱

فصل خامس: در بعضی موقوفات خاصه‌ای است که وقف نموده‌اند.

فصل اول:

در ذکر املاکی است از دهات و اراضی و مستقلات و دکاکین و طواحن و بیوت که وقف نموده‌اند.

و منها: کل شش دانگ قریه چاوشقلی واقع در یک فرسخی شهر خوی که محدود است از طرفی به جاده دره قُطور، و از سمتی در سنگ مشهور به قره برون همجا؟ باقله کوه می کشدالی سنگ سفیدی که در حد قریه کورتای و از جانبی اراضی آنجا متصل است به زمین معروفه به ایمان بیک پری که از اراضی قریه سَعْلُکده است، با جمیع توابع و لواحق شرعی و عرفیه از صحاری و جبال و مزارع آبی و دیمی و اراضی دائره و باثره و مجاری و انهار و اشجار مغروسه و غیر ذلک کائناً ماکان من غیر اخراج شیء عنها، به انضمام دو قطعه باغ محوطه و مشجره واقع در قریه مسطوره، و به انضمام اشجار مغروسه در جوانب جداول و انهار و بیشه زار و غیر ذلک، و به انضمام یک حجر طاحونه واقع در آنجا، و به ضمیمه چند قطعه از اراضی رهاال " و سعلکده و مزرعه قَراقم که ابتیاع نموده و جزء چاوشقلی قرار داده‌اند بدین تفصیل است:

زمین ابتیاعی از کربلایی خلیل رهاالی مشهور به آرخ آراسی محدوده به حدود مسطوره: جهت جنوب داشلوبند و سمت شمال جادیه اکراد و نحو شرق نهر قریه سعلکده و جانب غرب نهر قریه پارچی.

زمین ابتیاعی از تیمور و لطفعلی رهاالی که از سمت شرق به زمین کربلایی مهدی و از مغرب به زمین حسن بیگ و از طرف شمال به زمین اکبر رهاالی و از نحو جنوب به دره اتصال دارد.

زمین ابتیاعی از مختار و تیمور رهاالیان محدوده به حدود اربعه مشروحه: شرقاً جاده، غرباً نهر مشهور به نهر چَرکدار، شمالاً اراضی قریه سعلکده، جنوباً زمین محمدعلی نجار.

زمین ابتیاعی از محمد رحیم بیگ رهاالی که محدوده است جنوباً به راه معروف به جاده لک و شمالاً به سد قریه چاوشقلی، شرقاً به نهر پارچی، غرباً به نهر قریه بدل آباد.

زمین ابتیاعی از مرتضی ولد محمد ایضاً محدود به حدود مفصله: شرقاً نهر مرحوم شجاع الدوله، غرباً نهر قریه پارچی، جنوباً زمین عباسی، شمالاً زمین کربلایی اکبر.

و زمین ابتیاعی از کربلایی فرج سعلکده‌ای محدوده به حدود مرقومه: سمت شرق نهر مرحوم شجاع الدوله، طرف مغرب نهر پارچی، جانب جنوب زمین ملاکاظم، و نحو شمال زمین حاجی عباسی.

ایضاً زمین ابتیاعی از کربلایی فرج سعلکده‌ای شرقاً زمین کربلایی تقی و جهات دیگر اراضی متعلقه به خود واقف معظم له - سلمه الله - است.

و ایضاً دو قطعه زمین ابتیاعی از ولی ولد کربلایی قاسم از اراضی قراقم طرف مشرق زمین کربلایی آقا، جانب غرب زمین مرحوم حاجی سید مرتضی، جهت جنوب ایضاً اراضی مرحوم مسطور، جانب شمال زمین رضاقلی.

و زمین ابتیاعی از کربلایی قلی و حبیب محدوده به جهات اربعه مشخصه: مشرق کربلایی فرج، مغرب زمین خود بایعین، سمت جنوب زمین مرحوم زمان آقا، طرف شمال زمین کربلایی حضرتقلی.

و زمین ابتیاعی از کربلایی حضرتقلی محدود است به حدود معینه: شرقاً نهر [شهر]، غرباً نهر پارچی، شمالاً

زمین کربلایی اسماعیل کورتائی، جنوباً زمین حاجی غلامعلی آقا.

و زمین ابتیاعی از حضر تقلی ایضاً واقعه در قراقم طرف قبله نهر شجاع الدوله مرحوم، شمالاً نهر قریه پارچی، شرقاً اراضی محله، طرف مغرب اراضی مزرعه قراقم.

و زمین ابتیاعی از رضاقلی ولد کربلایی محمدقلی واقعه در مزرعه قراقم مغرب و مشرق اراضی خود واقف، جنوب زمین آقا میر ولی الله، شمال زمین کربلایی آقا پسر نصر الله بیگ.

و زمین ابتیاعی از لطفعلی رهایی ولد کریم خان محدودتین به حدود مفصله: شرقاً جاده، غرباً نهر چرکدار، شمالاً اراضی قریه سعلکده، جنوباً زمین محمدعلی نجار، ایضاً شرقاً کربلایی مهدی، غرباً زمین حسن بیگ، شمالاً زمین علی پناه، جنوباً دره.

و زمین ابتیاعی از کربلایی باقر از اراضی مزرعه قراقم که طرف مشرق و مغرب آن اراضی خود واقف، جنوباً بیشه زار مرحوم حاجی سید مرتضی، شمالاً گوم کربلایی آقا.

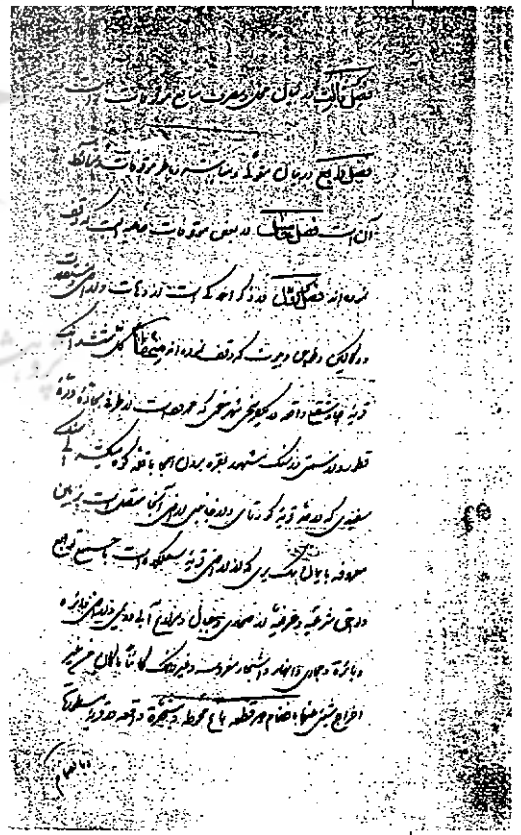
و منها: کل شش دانگ قریه حاجتکه واقعه در محال جای پاره خوی که از طرفی به سنگ [مشهور] سوداشی، و از جانبی به جبل معروفه توپال لر، و از حدی به التون^{۱۳} بلاغی، و از نحوی به دره خاخ^{۱۴} و جاده قره بلاغ محدود است با جمیع توابع و لواحق شرعیه و عرفیه از صحاری و جبال و مراتع و مزارع و مرايض و معالف و قلل و انهار و اشجار و غیر ذلک ممّا یعدّ تابعاً و لاحقاً، ذکر امّ لم یذکر.

و منها: کل شش دانگ قریه سوسز^{۱۵} واقعه در محال جای پاره خوی محدود به حدود مشروحه: از طرفی به قریه حاجتکه، و از سمتی به دره چلندی و بندرضیته و جابابونی، و از جانبی به کوخدی و توزلی و ساری داش و دره ماهی الی چشمه سر حملو منتهی می شود.

و منها: دو دانگ تمام از جمله شش دانگ زاویه حسن خان واقعه در نیم فرسخی شهر خوی با جمله توابع و ملحقات شرعیه و عرفیه حتی اشجار مغروسه و باغچه و بیشه زار واقعه در آنجا و غیر ذلک، و قریه مسطوره به غایت شهرتها غنیه از تحدید است.

و منها: سه دانگ مشاع از جمله شش دانگ قریه امام کندی واقعه در نیم فرسخی شهر خوی که محدود است به حدود مشروحه: از سمت کنل؟^{۱۶} کوه غضنفر می کشد الی ارخاج، و از آنجا می کشد الی سریال قریه عذب که سمت شرقی سریال مسطور قریه عذب و سمت غربی امام کندی است، و از سریال بور می کشد الی نهر قریه عذب، و از آنجا سرا بالا می رود الی شارع قریه دلجلو، و از آنجا می کشد الی نهر قریه آغداشی که در چمن واقع است، و از نهر مسطور می کشد الی کوه غضنفر، به انضمام جمله توابع و لواحق شرعیه و عرفیه از اراضی و مزارع و جبال و اشجار و غیر ذلک من دون اخراج شیء عنها، به ضمیمه نصف مشاع یک باب کاروانسرای واقعه در آنجا.

و منها: پنج دانگ قریه هندوان واقعه در دو فرسخی شهر خوی با کافه توابع و لواحق شرعیه و عرفیه از مزارع و



تصویر شماره ۲

مراتع و چمن و غیرذلک به انضمام یک قطعه زمین ابتیاعی از حسین بابا ساکن [قریه] شبانلو.
و منها: یک دانگ مفروز از قریه ویشلق سفلی ابتیاعی از حسنعلی بیگ با قاطبه توابع و لواحق شرعی و عرفیه
من دون استثناء شیء عنها به انضمام یک حجر طاحونه واقعه در آنجا با جمله ضمانت و توابع^{۱۷}.
و منها: کلیه قطعات واقعه در قریه قراجلو که همه آنها معین و مشخص است [و بعض] آنها را از مرحوم رضا
بیگ خوبی و بعضی را از غیر او ابتیاع نموده اند به انضمام چمن و غیر آن از اشجار مغروسه و غیرذلک، و به
انضمام یک حجر طاحونه واقعه در آنجا.

و منها: یک چارک مفروز قریه پارچی که عبارت از اراضی مسطوره است: زمین زمان بیگ، زمین گاو جبرئیل،
زمین گاو میکائیل، زمین سفره گاو، زمین حسن، زمین معروفه به معصوم بری، زمین مشهور به ولی چالی،
زمین مشهوره به شاهان بری، زمین مشهوره به یتیم بری، زمین معروفه به دام دالسی، به انضمام یک قطعه باغچه
و خانه واقعه در قریه مسطوره با جمیع توابع و لواحق^{۱۸}.
و منها: یک باب حمام واقعه در محله شهانق خوی معروفه به حمام بالایی میرزا اسماعیل معمار به انضمام
هفت باب دکان متصل به آن.

و منها: بیست و یک باب دکان و یک باب کاروانسرای غربانشین که این جمله را از پسران حاجی یوسف
شتردار ابتیاع نموده اند، و بیست باب از دکاکین مرقومه و کاروانسرا در چار سوی مرحوم محمدجعفر خان
سرتیپ که متصل به دروازه معروفه به دروازه خیابان شهر خوی واقع، و یک باب از دکاکین مرقومه در جنب
کاروانسرای مرحوم سلمان خان است.

و منها: یک دست عمارت بیرونی واقف معظم له به ضمیمه حیاط آنجا که در جنب دکاکین مرحوم
جعفرقلی خان دنبلی است و غنی از تحدید و توصیف است بغایت اشتهاها، به انضمام هشت باب دکان متصل
به خانه مسطوره است با جمله توابع و لواحق شرعی و عرفیه.

و منها: ثلث اراضی معینه واقعه در قریه کردشین^{۱۹} معروفه به اراضی [مرحوم] حاجی علی محمد آقا و تخمیناً
مبذرسه و قرتخم افکن است با توابع و لواحق، و تارۀ آخری تأکید تحریر می شود آنچه در املاک مفصله مشروحه فعلاً
درید و تصرف واقف معزی الیه است از اشجار و غیر آن همه آنها داخل وقف است چیزی مستثنی و خارج نیست.

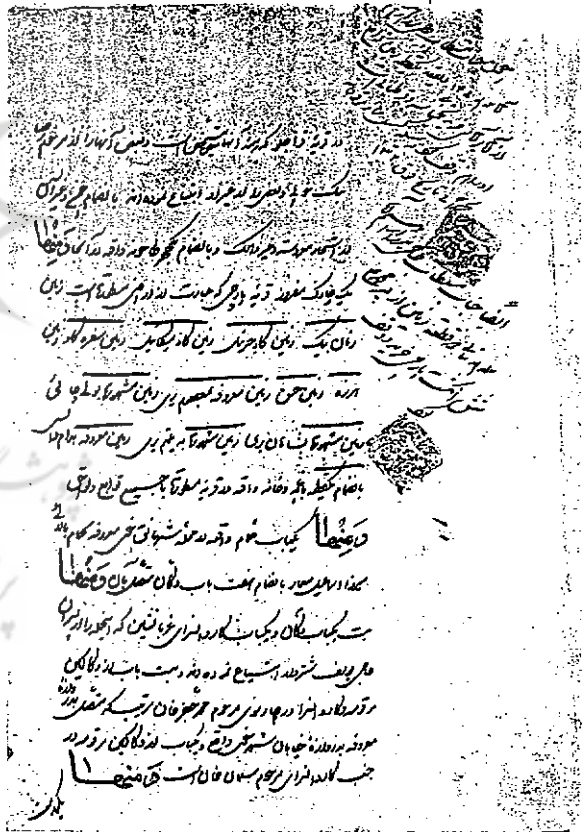
فصل ثانی:

در بیان اجناسی است که وقف نموده.

و آن عبارت است از یک دست فرش اطاق بیرونی که یک قالی و سه عدد کناره است و بیست عدد مجموعه
مسی و ظروف آنهاست، و کتابهای مشروحه ذیل است و صورت کتب به شرح [ذیل] است:

اوقیانوس شرح قاموس ۳ جلد، قوانین جلد، شرح لمعه جلد، مطول جلد، مبسوط جلد، شرح نهج البلاغه
ابن ابی الحدید ۲ جلد، شرح کبیر جلد، جای جلد، شرح صمدیه جلد، صحاح جلد، درة النجف قلمی دو جلد،
شرح نهج البلاغه چاپی، بحار چاپی ۳ جلد، تذکره علامه دو جلد، مغنی اللیب دو جلد، شمسیه جلد، حاشیه
میربر شمسیه جلد، حکیم جلد، جامع المقاصد دو جلد، ذکری جلد، آقا جمال جلد، غایة المرام جلد، تجلی
و نعمت جلد، حاشیه ملا عبداللہ جلد، شرح فوائد جلد، شرح تصریف جلد، جواد بر خلاصه جلد، کشکول

جلد، اکمال الدین جلد، دروس جلد، جلاء العیون جلد، انموذج جلد، عصمت جلد، رساله آقا سید ابراهیم جلد، طریف الانشاء جلد، کفایه جلد، رساله اسطرلاب جلد، مجمع الفائدة جلد، کفعمی جلد ابن داود جلد، جنات الخلود جلد، سید شریف جلد، شرح زیارت جلد، مجمع البحرین ۲ جلد، جامع السعادات جلد، شمس المعارف جلد، ابن خلکان جلد، طبقه (طبقات) کبری جلد، استفاء چاپی جلد، کتاب فقه جلد، شرح صحیفه [جلد]، معالم الزلفی جلد، معاد بحار جلد، مواعظ بحار جلد، گوهر مراد جلد، مجموعه آقا سید محمد خراسانی جلد، بیاض چاپی و قلمی ۴ جلد، امل الآمل شیخ حر جلد، شرح دعای صباح با شرح جوشن کبیر حاج ملاهادی جلد، جواهر السنیه جلد، جزوات میرداماد جلد، ابواب الجنان جلد، کتاب ورام جلد، صلاة بحار دو جلد، صرف میر جلد، شرح [قاضی] سعید قمی بر توحید صدوق ۳ جلد، مفتاح الکرامه ۳ جلد، نفایس الفنون جلد، خواص حیوان جلد، عجائب المخلوقات جلد، روضة (روضات) الجنات فی احوال العلماء جلد، رساله شیخ مرتضی اعلی الله مقامه دو جلد، تفسیر سوره یوسف لمعین الدین جلد، شرح روضة کافی لملا خلیل قزوینی جلد، لؤلؤه شیخ صاحب الحدائق جلد، اصول طباطبائی جلد، منظومه سید جلد، نظامی جلد، حجة مظنه شیخ مرتضی جلد، تفسیر صافی [دو] جلد، اصول کافی جلد، کشف الغمه جلد، بحار قلمی جلد، انوار النعمانیه جلد، شرح ملا صالح جلد، استفاء جلد، اشارات اصول جلد، قواعد شهید جلد، حاشیه شیخ محمد تقی جلد، مدارک جلد، کتاب دعای خوش خط جلد، قرآن عکس و چاپی دو جلد، فواید بحر العلوم جلد، رساله وقفیه جلد، اعمال مسجد کوفه چند جلد از بحار بی جلد، تحفة الزائر جلد، زاد المعاد جلد، صحیفه علویه جلد، صحیفه سجادیه جلد، منظومه حاجی ملاهادی جلد، رسائل علمیه میرزای شیرازی جلد، کلام الله خطی و چاپی ۴ جلد، ابن شهر آشوب دو جلد، شرح نهج البلاغه جلد، غنایم الأغنام (الایام) میرزای قمی جلد، زبدة الصحایف جلد، کتاب فواید جلد، تفسیر قرآن فارسی دو جلد، شرح دعای سمات [از کفعمی] خطی جلد، سرائر جلد، شرح اشارات جلد، ملاقطب جلد، شرح میثم بر نهج البلاغه جلد، کشف الآیات جلد، رجال شیخ ابوعلی جلد، عمدة الاصول جلد، نهاییه ابن اثیر جلد، چلبی جلد، شرح هدایه جلد، اسرار الصلاة جلد، معانی الأخبار جلد، فصول چاپی و قلمی دو جلد، دیوان امیر المؤمنین (ع) جلد، کشف الآیات جلد، رساله شیخ محمد (کذا) احسانی جلد، کتاب در تاریخ ده جلد، شرح بر تجرید جلد، تفسیر امام علیه السلام جلد، خواص السور جلد، تلخیص المقال فی الرجال چاپی هر قدر که هست، حبل المتین جلد، کلام الله چاپی و قلمی جلد، قاموس جلد، شرح باب حادی عشر جلد، ارشاد علامه جلد، عمیدی جلد، تهذیب



تصویر شماره ۲

جلد، شرایع دو جلد، تجرید علامه جلد، مجمع المعارف جلد، ابن شهر آشوب [دو] جلد، بصائر الدرجات جلد، جوامع الفقه جلد، شرح نهج البلاغه جلد، مستند الشیعه دو جلد، مجالس المتقین جلد، برهان قاطع جلد، شرح مطالع جلد، رسائل علمیه [۶] جلد، صحیفه جلد، شرح مواقف جلد، فاضل هندی دو جلد، کتاب معجزه سید قریش جلد، تحفه طب جلد، اسرار الشهاده جلد، مقامات جلد، نهج البلاغه جلد، الاحقاق الحق جلد، تفسیر نیشابوری ۳ جلد، شفای تمام جلد، کتاب حاجی ملا هادی جلد، جار بردی جلد، سیوطی جلد، کتاب قرائت جلد، مجمع البیان [دو] جلد، اربعین چاپی و قلمی دو جلد، و هر قدر که هست، شرح ابن ابی الحدید جلد، شیخ علی بر شرایع دو جلد، عبادات مسالک جلد، شواهد ربوبیه جلد، شرح چغمینی جلد، مجموعه جلد، جامع الأخبار جلد، شوارق جلد، جنه و اقیه جلد.

فصل ثالث:

در بیان محل مصرف حاصل و منافع املاک مسطوره است.

متولی و مباشر باید هر سال بعد از وضع و اخراج مخارج لازمه و ضروره خود املاک مسطوره از قبیل تنقیه قنوات و احداث قنات جدید، و بالجمله بعد از وضع آنچه در تعمیر و بنای املاک مرقومه صرف می شود به هر نحو باشد، و بعد از وضع مواجب و اجرت دوسه نفر نوکر که از برای ضبط و حفظ آنها لازم است، و دوسه رأس اسب که به جهت تردد و سرکشی املاک ضرور است و کم و کیف این دو فقره مصارف منوط و موقوف به نظر خود متولی است و حق التولیه خودش آنچه باقی ماند باید هر سال سی تومان به یک نفر شخص امین بدهد در نجف اشرف - علی مشرفها آلف الثناء و التحف - در مقبره خود واقف - اطلال الله بقاءه - که در وادی السلام معین است تلاوت قرآن نموده ثواب آن را به روح واقف و والدین ایشان و سایر اقارب و ارحام ایشان هدیه نماید، و روزی یک دفعه در حرم مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به نیابت واقف زیارت کند و شبهای جمعه زیارت جامعه و در سایر ایام هفته زیارت امین الله بخواند، و اگر نائب در وقفات به کربلای معلی مشرف شود در این چند روز که آنجا اقامت می نماید در حرمین محترمین حضرت سید الشهداء و حضرت ابوالفضل العباس علیهما السلام زیارت کند.

و سالی دوازده تومان به خود همین قاری یا غیر او بدهند هر شب در حرم نجف اشرف یا رواق آنجا یک چراغ تا ساعت سه و چهار روشن نماید.

و سالی بیست تومان یا بیشتر برای پر کردن حوضهای صحن نجف اشرف بفرستد.

و سالی یازده تومان یا بیشتر برای آب سقاخانه که در جنب مقبره واقف است بفرستد، و قیمت یک چراغ تا دو

ساعت و سه ساعت از شب رفته در مسجد هندی نجف اشرف بفرستد.

تصویر شماره ۲

و سالی پنجاه تومان - اگر ممکن باشد یکصد تومان - به محتاجین طلاب نجف اشرف بفرستد و محتاجین طلاب خوی را که در نجف اشرف باشند مقدم بدانند.

و سالی پنجاه تومان در خوی به فقرا و مستحقین از طلاب بدهد.

و سالی پنجاه تومان در تعمیر مساجد شهر خوی صرف نماید.

و هر سال سیصد من برنج که هر منی عبارت از هزار مثقال است با سائر لوازم عرفیه آن از خورشید و آبشیره و نان و غیر آن در دهه اول محرم و لیالی احیای شهر رمضان المبارک پخته [هر شب] جمعی از فقرا را دعوت نموده در همان حیاط بیرونی واقف شام و افطار بدهند و در همان مجلس دعوت، روضه خوان آورده روضه بخوانند. و تمام روزهای جمعه تمام سال را دو نفر روضه خوان آورده در حیاط مسطوره روضه خوانی نماید چایی و قهوه و قلیان و چپوق به واردین مجلس روضه بدهد و روضه خوانها را به طریق متعارف اجرت بدهد.

و هر سالی دوست تومان به شخص امینی داده به نیابت واقف به مکه مشرفه - زاده‌الله شرفاً و تعظیماً - بفرستد حج نماید، و اگر چیزی از منافع و محصول املاک بعد از اخراج این مصارف مشروحه باقی ماند متولی آن را به فقرا و سایر وجوه بر صرف نماید، و اگر به واسطه صدمات کفایت ننمود به ترتیبی که تحریر شده الاول فالاول را مقدم در عمل نماید، و متولی اگر بر حسب اقتضای وقت چیزی از مصارف بخواهد مختصری تغییر در زیاده و نقیصه و غیر آن بدهد مختار است.

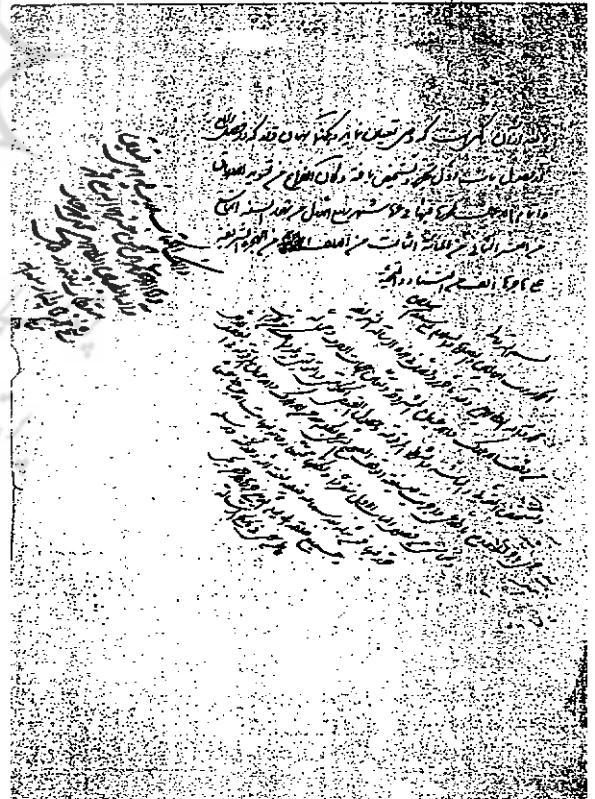
و مراد از تومان که تعیین شده ده مثقال نقره مسکوک رایج دولت علیه

ایران است.

فصل چهارم:

در بیان متولی و مباشر جمع و صرف منافع اوقاف مرقومه است.

مادامی که خود واقف - دام عمره - در قید حیات هستند تولیت و مباشرت با خودشان است و بعد از آن با وصی شان که در وصیت نامه متعین^{۱۱} است و بعد از آن وصی یک نفر را از علمای بلد که محل وثوق و اطمینان و قادر بر ضبط و جمع منافع باشد تعیین کند و هكذا من عینه الوصی، نیز وقتی که اماره موت در خود مشاهده نمود یک نفر را که جامع و صفین و دارای قیدین باشد از اهل علم برای تولیت معین نماید و هكذا من عین للمباشرة، و متولی یک نفر را که محل وثوق و قادر بر جمع و حفظ است از علما معین کند و اگر در مرتبه‌ای معین نمودند تولیت راجع به عالمی است که او ثق و قادر بر حفظ و جمع است از علمای ولایت خوی و المرجو ممن یأتی بعد زماننا من اخواننا العلماء العالمین آنکه در کم و کیف موقوفات تغییر و تبدیل ندهند و من بدله بعد ماسمعه فانما اثمه علی الذین یتدلونه.



تصویر شماره ۵

و چنین مقرر است متولی هر سال یکصد تومان از منافع و حاصل املاک حق التولیه و المباشرة برای خودش اخذ نماید، و آنچه به عنوان مالکانه از مرغ و سوخت و غیره از دهات گرفته می‌شود - چنانکه رسم مقرری و قرارداد ولایت خوی است نیز حق متولی و راجع به او است، و اگر غیر این دو فقره چیزی اخذ کند در خدمت حضرت ختمی مرتبت روسفید نباشد.

فصل خامس:

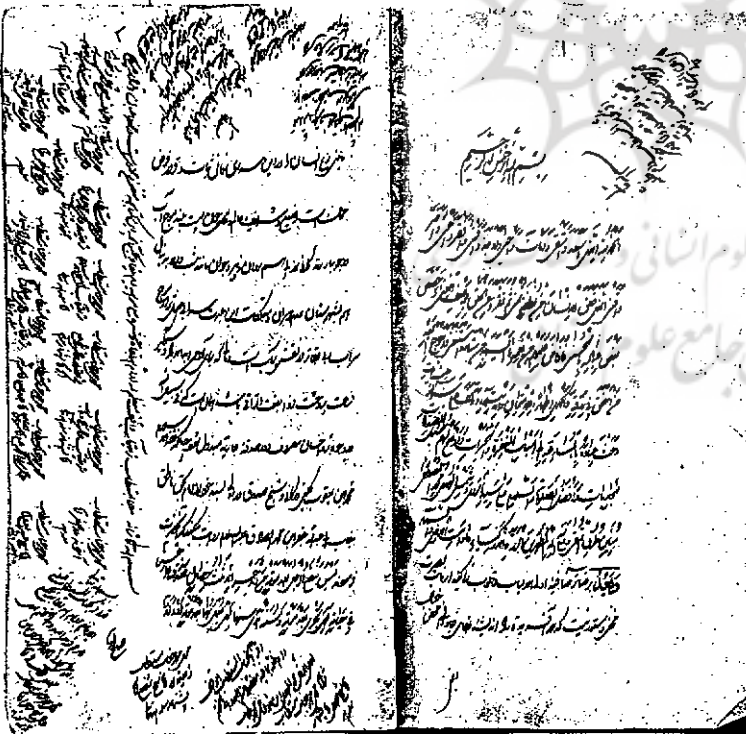
در ذکر پاره‌ای موقوفات خاصه‌ای است که وقف نموده‌اند.

از جمله [تمام] یک قطعه زمین واقعه در قرب دروازه شورآب شهر خوی است که متصل است به تکیه‌گاه دروایش و تخمیناً مبذر چهار وقر تخم و محدود به حدود اربعه مفصله [می‌باشد]: از جانب جنوب دره معروفه به دره برجلو [بلاغ]، و از سمت شمال دیوار قبرستان، و از طرف غرب جاده‌ای است که متصل [به] خندق و خاکریز شهر است، و طرف مشرق جاده‌ای است که به آسیاب می‌رود مگر یک قطعه زمین فتحعلی خان سرهنگ در جهت غربی جاده آسیاب واقع.

و دو قطعه از اراضی موقوفه در جهت شرقی جاده مسطوره متصل به اراضی مرحوم حاجی قاسم است به موسی خان و خسروخان اخوی زاده‌های خوشان و اولاد ذکور آنها بطناً بعد بطن و طبقه بعد طبقه وقف کرده‌اند، ولی اگر اولاد ذکور یکی از این دو منقرض شد^{۳۳} مختص اولاد ذکور دیگری است، و اگر اولاد ذکور هر دو منقرض شد

راجع به فقرای ولایت خوی خواهد بود و تولیت آن مادام الحیات با خود واقف معظم له و بعد از ایشان با اکبر و ارشد موقوف علیهم و بعد انقراضهم با اوثق علمای شهر خوی که قادر بر ضبط و حفظ باشد [راجع] است.

و از جمله تمام یک قطعه زمین واقعه در اراضی مجیدآباد خوی ابتیاعی از اسماعیل است که تقریباً مبذر دو وقر تخم می‌شود به کربلایی فیروز و اولاد ذکور ایشان بطناً بعد بطن و طبقه بعد طبقه وقف کرده‌اند، و اگر اولاد ذکور یکی از این دو نفر منقرض شد مختص اولاد ذکور دیگری می‌شود و عند انقراض اولاد ذکورهما جمعاً راجع به فقرای شهر خوی است و تولیت آن بعینه نظیر وقف اولی مادام الحیات با خود واقف و بعد از آن با خود موقوف علیهم و بعد انقراضهم رجوع الوقف إلى الفقراء با اوثق علمای بلد که قدرت حفظ و ضبط داشته باشد راجع است.



و در ضمن وقف شرط شده اگر متولی بعض املاک یا کل املاک مرقومه را صلاح دیده به اجاره بدهد باید مدت اجاره متجاوز از پنج سال نشود، و اگر مدت را زیاده قرار دهد باطل است.

باب ثانی

در بیان موقوفه مرحوم حاجی حسین آقا طاب ثراه والد واقف معزی الیه است.

و آن عبارت است از قریه روتند، و همان بهتر است که عین وقف نامه آن مرحوم را در این رساله ثبت و تحریر نماید تا از تغییر مصون آید و صورت آن این است:

غرض از تحریر این لوحه خیریت مآل و باعث بر ترقیم این صفحه سعادت اشتمال آن است که وقف صحیح شرعی نمود عالیجاه رفیع جایگاه کشف الحاج و المعتمرین حاجی حسین آقا تمامت شش دانگ قریه روتند و مزرعه قباق الواقعتین فی محال چورسی من اعمال خوی محدوده از جانبی به قریه کتنلو، و از سمتی به قریه قورل، و از جهتی بهستان، و از طرفی به قریه میدان با جمیع توابع شرعیه و کافه ملحقات عرفیه از دهکده و مزارع آبی و دیمی و اراضی و قنوات و انهار و آبار به این طریق که هر ساله بهر چه قریه مرقومه را هر چه باشد وصول نموده سیزده سهم نماید و از جمله سه سهم در سه روز نوزدهم و بیستم و یکم از ایام ماه مبارک رمضان در تعزیه اسدالله الغالب مظهر العجائب الذی حبه فرض علی الحاضر و الغائب علی بن ابی طالب - صلوات الله و سلامه علیه -، و ده سهم را در ایام عاشورای محرم الحرام در تعزیه و خیرات امام مظلوم جناب سید الشهداء علیه السلام خرج و صرف نماید.

و تولیت مرقوم مادام حیات واقف، با واقف باشد و بعد از آن خود هر کسی را که ارشد اولاد خود تعیین نماید و اولادش همچنین نسلاً بعد نسل یکدیگر را تولیت دهند و بعد انقضای تولیتش به اعلم و افقه و عادل بلد منتقل شود و حقوق اربابی معمولی ولایت که فعله و همه و جوجه و خانواری از رعیت گرفته می شود مدد معاش کسی است که تولیت به او منتقل شده است و اجرت یک نفر آدم که به جهت جمع و تحصیل بهر چه در قریه محدوده باشد مباشر وقف یعنی متولی هر قدر صلاح داند از بهر چه قریه قرارداد نماید و مابقی را در تعزیه و خیرات به تفصیل سابق به صرف رسانند از قراری که مرقوم و معین شد حیف و میل ننموده تغییر و تبدیل نمایند فمن بذله بعد ما سمعه فإنما اثمه علی الذین یبدلونه.

و هر کسی که متولی و مباشر وقف است اگر از قرار وقف نامه عمل ننموده [حیف میل نماید] پیش امامین علی مرتضی و سید الشهداء علیهما السلام روسیاه محشور شود.

و صیغه صحیح شرعیه ملیه اسلامیة وقف در حضور علمای کرام و سادات ذوی العز و الاحترام و عدول خواص و عوام بلدیة خوی علی حسب ما قرر فی الشرع الأنور المطهر جاری و واقع شد، و کان ذلک فی شهر جمادی الاولی من شهر سنة ثمانیة و خمسين و مأتین بعد الألف.

باب سوم

در بیان چند فقره ملک محبوسی و موقوفه است که تولیت و مباشرت آنها با جناب واقف - سلمه الله - است^{۳۳}
فقره اولی: عبارت از دو دانگ مشاع قریه مافی کندی واقعه در خوی و مقدار ده و قر زمین تخم افکن واقعه در سمت شرق قلعه خوی، و دو ثلث ده و قر مساحتی اراضی حاجی علی محمد آقای مرحوم واقعه در قریه کردشین^{۳۴} که آنها را

مرحومه حاجیه رقیه سلطان خانم صبیئه مرحوم مبرور علی اشرف آقا حبس نموده و محل صرف بدین تفصیل است:

متولی باید هر سال بیست تومان به نجف اشرف فرستاده در آنجا شخص امینی نائب الزیارة قرار دهد در حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از قبل مرحومه مرقومه زیارت نموده و هر روز مقداری از کلام الله در سر قبر مرحومه که در وادی السلام است تلاوت نماید و باقی از محصول املاک مسطوره را در برآز قبیل استیجار نائب برای حج و نائب برای زیارت در مشاهده مشرفه حضرت رسالت مآب و ائمه هدی علیهم الصلاة و الثناء از قبل مرحومه و همچنین در استیجار نائب در صوم و صلاة ایضاً از طرف مرحومه مسطوره ورد مظالم و سایر وجوهات در مصارف خیر صرف نماید. و خود مرحومه قرار داده است و وصیت نموده اگر اولاد برادرش جعفرقلی آقای مرحوم محتاج باشند محصول اراضی واقعه در قرب شهر را در مصارف خودشان صرف نمایند و اراضی مرقومه در تصرف ایشان باشد.

فقرة ثانیه: زمین معروفه به زمین مرحوم آقا فتحعلی که وقف مسجد مرحوم حاجی ملا احمد روضه خوان و تخمیناً هشت وقرطنابی است باید منافع و محصول آن سال به سال در مصارف مسجد مرقوم در تعمیر و غیره صرف شود، و تولیت و مباشرت این چند فقره املاک مرقومه و محبوسه مثل موقوفه خود جناب واقف باید مادام الحیات با خود معزی الیه و بعد از آن با وصی شان و بعد از آن با کسی است که وصی تعیین نماید، و هكذا به همان قرار که در فصل رابع از فصول باب اول تحریر و تشخیص یافته، و کان الفراغ من تسوید الاوراق و اتمام الاعمال المحررة فیها فی غرة ربيع الأول من شهر السنة التاسع من العشر الثاني من المائة الثالث من الألف من الهجرة الشریفة علی هاجرها الف من الثناء و التحية.^{۲۵}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشت ها

۱. برای شناخت این خاندان رجوع شود به: تاریخ مشاهیر کرد ۳/ ۸۷- ۹۸، و نیز عبدالرزاق بیگین نجفقلی خان متخلص به مفتون کتابی به نام «ریاض الجنة» در تاریخ دنباله تألیف کرده است.
۲. برای شرح حال وی بنگرید به: ریحانة الأدب ۲/ ۱۹۴- ۱۹۵، شهداء الفضيلة ۳۴۲، علماء معاصرین ۸۹، مرآة الشرق ۱/ ۵۵- ۵۹، مصفی المقال ۹، نقباء البشر ۱/ ۱۳، معرف الرجال ۱/ ۳۶- ۳۷.
۳. در برخی از مصادر ۱۲۴۷ آمده است.
۴. در برخی از مصادر ۱۳۲۵ آمده است.
۵. در حاشیه صفحه اول و دوم، چندین یادداشت در تأیید وقف نامه حاضر آمده است بدین عناوین:
بسم الله تعالى أقرّ الجناب المستطاب دام ظلّه بصحة ما فيه مفصلاً و أنا الأحقر، محل مهر جناب مستطاب شریعت مآب آقای امین الشریع آفا سلمه الله تعالى.
قد أقرّ و اعترف الواقف المعظم له بما تضمنته الكتاب لدى الداعي، محل مهر جناب مستطاب شریعت مدار آقای حاجی میر حبیب آقا

مجتهد خوبی سلمه الله تعالى.

بسمه تعالى قد أقر الجناح المستطاب الواقف المعظم له سلمه الله تعالى و أبقاه بتمام ما في الكتاب من البدو إلى الختام لدى الأحقر على أكبر سبب الفوائى طاب ثراه، محل مهر جناب مستطاب آقا شيخ على أكبر آقا واعظ سلمه الله.

بسم الله تعالى شأنه جناب مستطاب شريعت مآب واقف معظم به أدام الله بقاه و حشره مع مواليه يوم يلقاه به جميع آنچه اين كتابچه متضمن و محتوى است در محضر داعيان اقرار صريح و اعتراف صحيح شرعى فرمودند:

محل مهر جناب مستطاب آخوند ملا اصغر آقا سلمه الله.

محل مهر جناب مستطاب آقا شيخ عبدالعلى آقا سلمه الله.

محل مهر جناب مستطاب شريعت مآب حاجى شيخ وهاب آقا پيشنماز سلمه الله تعالى.

محل مهر جناب مستطاب حاجى ميرزا محمد على آقا معين الاسلام.

محل مهر جناب مستطاب آقا عبدالعلى آقا سلمه الله.

محل مهر جناب مستطاب شريعتمدار حاجى شيخ على أكبر آقا پيشنماز سلمه الله.

محل مهر جناب مستطاب شريعت مآب آقا شيخ الاسلام آقا سلمه الله تعالى.

محل مهر جناب مستطاب شريعت مآب حاجى ميرزا صادق آقا سلمه الله تعالى.

محل مهر جناب مستطاب آقا مير على أكبر آقا پيشنماز سلمه الله.

محل مهر جناب مستطاب شريعتمدار حاجى مير محمد حسين آقا مجتهد سلمه الله تعالى.

محل مهر جناب مستطاب حاجى مير حبيب آقا سلمه الله.

محل مهر جناب مستطاب حاجى شيخ محمد حسن آقا سلمه الله.

محل مهر جناب مستطاب شريعت مآب حاجى ميرزا هاشم آقا سلمه الله.

محل مهر جناب مستطاب حاجى ميرزا تقى آقا پيشنماز سلمه الله.

محل مهر جناب مستطاب شريعتمدار آقا شيخ حسن آقا پيشنماز سلمه الله تعالى.

محل مهر جناب مستطاب شريعتمدار آقا شيخ شفيق آقا پيشنماز سلمه الله تعالى.

بسم الله تعالى قد أقر الجناح المستطاب قبله الأنام أدام الله بقاؤه بجميع ما رقم فيه من البدو إلى الختم لدى الداعى الجانى و أنا الأحقر حسين بن مهدي طاب ثراه، محل مهر جناب مستطاب حاجى شيخ حسين آقا مجتهد سلمه الله.

أقر الجناح المستطاب الواقف دام ظلّه بما فيه مفصلاً من البدو إلى الختم لدى الأقل محمد المهدي ابن ملا حاجى محمد طاب ثراه، محل مهر جناب مستطاب آقا شيخ مهدي آقا پيشنماز سلمه الله.

در حاشية صفحه چهارم چنین آمده است:

محل مهر مبارک حضرت اسعد والى وليعهد كيوان مهد روحنا فداء.

محل مهر جناب عمدة العلماء العظام و أفقه الفقهاء الكرام فخر المحققين المبجل الممجد المولى المعظم جناب مستطاب ملجأ الأرامل و الايتام آخوند ملا محمد فاضل شراييانى دام ظلّه العالى على رؤوس المسلمين.

محل مهر جناب مستطاب سرکار شريعتمدار أفقه الفقهاء الراشدين و أعلم العلماء و المجتهدين رئيس الأنام حجة الاسلام كهف الأرامل و الايتام آقاى بزرگوار آقا شيخ حسن آقاى فاضل معفانى دام ظلّه و مجده المتعالى.

محل مهر جناب مستطاب ملجأ الخاص و العام كهف الأرامل و الأيتام حجة الاسلام و المسلمين المولى النحرير قدوة المحققين و زبدة المدققين جناب آقا شيخ هادى آقاى طهرانى دام ظلّه العالى على رؤوس المسلمين.

و در حاشية صفحه ششم چنین آمده است:

محل مهر جناب مستطاب سرکار شريعتمدار ملجأ الخاص و العام كهف الأرامل و الأيتام حاجى ميرزا حسين آقاى مجتهد زمان دام ظلّه العالى.

۶. قيامت: ۲۶.

۷. خ ل: يتبع.

۸. كافي ۵۶/۷، تحف العقول ۳۶۳، تهذيب الأحكام ۲۳۲/۹، وسائل الشيعه ۱۷۴/۱۶، بحار الأنوار ۲۹۴/۶.

۹. خ:ل: آنها.
۱۰. در خ:ل به زیاده: حقیر.
۱۱. خ:ل: تبدل.
۱۲. خ:ل: رحال.
۱۳. باید آلتی بلاغی باشد.
۱۴. خ:ل: طاح.
۱۵. در دو نسخه چنین است، باید سوسوز باشد به معنای بی آب.
۱۶. خ:ل: کنی.
۱۷. در حاشیه چنین آمده است:
- چون جناب مستطاب حاجی میرزا ابراهیم آقا سلمه الله فی ۱۴ ذی قعدة یک قطعه زمین قراچلی از آقا میرآقائی خرید تخمیناً سه وقر طنابی است اورا هم وقف کرد و سیله کسبیل سائر موقوفاته، تحریرأفی تاریخ فوق ۱۳۲۰، مهر مربع «سلام علی ابراهیم».
۱۸. در حاشیه چنین آمده است:
- وایضاً [جناب مستطاب حاجی میرزا ابراهیم آقا سلمه الله تعالی] دو قطعه زمین از یسر محمد علی شش انگشت پارچی خرید و وقف کرد، با مهر مربع «سلام علی ابراهیم».
۱۹. ظاهر آکردنشین صحیح است.
۲۰. خ:ل: در تعیین.
۲۱. خ:ل: معین.
۲۲. خ:ل: شود.
۲۳. در حاشیه چنین آمده است:
- و جناب مستطاب شریعتمدار حاجی میرزا ابراهیم سلمه الله یک ربع دانگ از علی اشرف آقا از مافی کندی خرید و وقف کرد، مهر مربع «سلام علی ابراهیم».
۲۴. صحیح: کردنشین.
۲۵. در حاشیه برگ پایانی چنین آمده است:
- «ذلک کتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین» و أنا الأقل الأقر محمد بن الحسن حشرهما الله مع محمد وآله الطیبین الطاهرین، محل مهر جناب مستطاب شریعتمدار حاجی شیخ محمد آقا پیشماز سلمه الله تعالی.
- بسم الله تعالی الحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام علی سید المرسلین محمد وآله الطاهرین.
- و بعد ما حرر و فصل فی هذه الرسالة الشریفة من وقف الاملاک و الاعیان المشروحة و تعیین جهات الصرف و محالہ و تشخیص المتولی و المباشر و الشروط المرقومة و حصول القبض الحکومتی [و التولیتی] و غیر ذلک من المراتب جرى با جرائی و وقع باطلاع و أجریت صیغة الوقف الصحیح الشرعی بكل واحد من الاملاک و الاعیان المرقومة فی الفصل الاول و الخامس من فصول الباب الاول منفرداً و بکلها مجتمعاً رعاية لنهاية الاحتیاط جمناً حرر فیها فمن بدله بعد سماعه فعليه لعنة الله و ملائکته و رسله و جمیع خلقه إلى يوم الدين، حرره الأقریحی غفر له قاطن خوی فی تاریخ الرسالة، محل مهر جناب مستطاب شریعتمدار آقای حاجی امام جمعه آقا سلمه الله تعالی.